

بازار کار و ریشه‌یابی علل بروز بیکاری

سونامی انسانی

جمعیت زیاد، سرمایه گذاری کم، بی‌برنامگی و بی‌سیاستی مدیران، رکود اقتصادی ایران و جهان و ... جوانان را در معرض سونامی بیکاران قرار داده است.

قراین موجود حاکی از آنند که ۱۶ سال دیگر (یعنی در اقی ۱۴۰۴)، نرخ بیکاری تک رقمی نخواهیم داشت. این موضوع را می‌توان از شاخصه‌های مهمی که بر

اقتصاد کشور دلالت دارند استنباط کرد. البته این مسأله که ما برای دستیابی به یک سری از اهداف، برنامه ریزی متمرکز انجام می‌دهیم، خود مورد انتقاد است. اما این مسأله هم که ما برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده، ابزارهای لازم را فراهم نمی‌آوریم، نشان از عدم مسئولیت پذیریمان دارد و بیش از هر چیز، آینده نامعلوم و مبهمی برایمان به تصویر می‌کشد.

رکود اقتصادی، اقتصاد نفتی و تک محصولی، تورم، نظام بانکی بیمار و عوامل بسیار دیگر که هر کدام نیازمند یک کار تحقیقاتی گسترده است، بخشی‌هایی از مشکلات اقتصادی کشور به شمار می‌روند.

در میان مشکلات مذکور، بیکاری یکی دیگر از معضلاتی است که در خلال این سال‌ها گریبان اقتصاد کشور را گرفته است. در خصوص دلایل پیدایش و رشد بیکاری، کارشناسان اقتصادی و اجتماعی، موارد گوناگونی بیان کرده‌اند که هر کدام به نحوی بر این مقوله تأثیر گذار هستند.

نوزادان دیروز، کارجویان امروز

به جرأت می‌توان گفت افزایش ناگهانی جمعیت یکی از عمده‌ترین دلایل میزان بیکاری دهه اخیر در ایران به شمار می‌رود. در سال‌های نه چندان دور و در خلال جنگ تحمیلی، نگاه امنیتی مسئولان و دولتمردان کشور، افزایش متولدین دهه ۶۰ را به همراه داشت که اکنون متولدین آن روزها، بخش عمده‌ای از بیکاران امروز را تشکیل داده‌اند. البته اگر به موازات گذشت زمان، زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور ترمیم می‌شدند، نه تنها امروز از عواقب خطرناک بیکاری گسترده جوانان به دور بودیم که حتی با بهره‌گیری از قدرت جوانی آنها، بخش عظیمی از راه توسعه ملی را در صحنه جهانی طی کرده بودیم.

بیکاری تنها مشکلی نیست که طی سالیان گذشته متوجه این قشر شده باشد. جوانان همواره

گناه رکود، بیش از افزایش جمعیت

رشد کند و زیر ظرفیت اقتصادی حاکم بر کشور که در چند سال اخیر شدت گرفته، اگر در قیاس با افزایش جمعیت، تأثیر بیشتری بر رشد بیکاری نداشته باشد، یقیناً تأثیر کمتری نخواهد داشت. مشکلات بیشمار فضای کسب و کار - از ساز و کار نامتقارن تأمین سرمایه گرفته تا نظام پر از نقص مالیات - بخشی از مشکلات بنگاه‌های اقتصادی کشور را به وجود آورده‌اند که نتیجه آن چیزی جز سکون اقتصادی و مالی نبوده است. البته باید به موارد فوق، تشدید شرایط تحریمی را هم بی‌افزاییم که تأثیر زیادی در تلاطم فضای اقتصادی کشور داشته است.

در حال حاضر، بسیاری از بنگاه‌ها برای فعالیت‌های اقتصادی خود از تسهیلات بانکی استفاده کرده‌اند که به دلیل شرایط رکودی، تورمی و تحریمی، نتوانسته‌اند وام‌های خود را بازپرداخت کنند. این عدم بازپرداخت، باعث شده دامنه رکود به بانک‌ها و از این طریق به سایر بخش‌های اقتصادی سرایت کند. قطعاً اگر مسئولان، فکری به حال رکود مالی و اقتصادی حال حاضر کشور نکنند، اقتصاد ملی در زمانی نه چندان دور، آسیب‌های بسیار شدیدتری خواهد دید که افزایش بیکاری و تداوم آن در بلند مدت یکی از پیامدهای آن است.

قدرت تولید مردان و زنان ایران

جدا از مباحث زیرساختی، برخی ادعا می‌کنند که دلایل دیگری هم در رشد این بیکاری سهم داشته‌اند و تغییر ترکیب جنسیتی در فضای کار و افزایش شمار کارجویان و شاغلان زن در بازار کار یکی از آن موارد است. در پاسخ باید گفت، بیکاری نتیجه مشارکت زنان در بازار کار نیست، بلکه گناه اصلی باز هم متوجه نقایصی است که در زیرساخت‌های اقتصادی و کاری کشور وجود دارند. مضاف بر این، باید توجه داشت به دلیل آن که زنان نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، بهره‌مندی بجا از آنها در فضای کسب و کار، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اقتصادی کشور داشته باشد.

در نهایت با توجه به آن که بیش از هر چیز، نیازمند اصلاح و ترمیم زیرساخت‌های اقتصادی کشور هستیم، باید به مشکلاتی که در حوزه کار و اقتصاد قرار دارند رسیدگی کرده، آنها را رفع کنیم و با بهره‌گیری درست و حساب شده از نیروی کار آموزش دیده اعم از زن و مرد، راه دستیابی به توسعه متوازن کشور را تسهیل نماییم. ■

و در طول دوره‌های مختلف با مشکلات مختلفی به دلیل کمبودهای زیرساختی جامعه مواجه بوده‌اند. به عنوان مثال، تقاضای این قشر در مقاطع



تحصیلی، مشکلات نظام آموزشی کشور را تشدید کرد. دو شیفته شدن مدارس و ایجاد محدودیت ثبت نام در مدارس گواهی بر این مطلب است. اختلال در نظام تحصیلات عالی کشور هم از تبعات بعدی ورود این قشر به فضای کنکور و دانشگاه بود. اما امروز بسیاری از آنها - چه با تحصیلات آکادمیک و چه غیر آن - در سنینی واقع شده‌اند که باید در مشارکت اقتصادی جامعه نقش ایفا کنند، حال آن که نظام کسب و کار کشور، همانند بسیاری از حوزه‌های اقتصادی و غیراقتصادی که کسش پذیرش چنین حجم انبوهی را ندارند، نتوانسته آنها را در خود جای دهد. نتیجه این امر، رشد فزاینده بیکاری است که امروز شاهد آن هستیم. همچنین با توجه به سن ازدواج و تشکیل خانواده این قشر، قطعاً در آینده‌ای بسیار نزدیک شاهد افزایش نابسامانی‌هایی در بخش مسکن خواهیم بود - همان گونه که اکنون کم و بیش هم شاهد آن هستیم. علاوه بر این، تقریباً در ۳ دهه آتی و زمانی که عموم جوانان کنونی به سن بازنشستگی خواهند رسید، معضل نظام تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشور بروز می‌کند. اگر از هم اکنون فکری برای این مشکلات اندیشیده نشود، دولت در آن برهه از زمان با چالش‌های جدی‌بودجه‌ای و غیربودجه‌ای مواجه خواهد شد.